

دوره ششم تقنینیه

مذاکرات مجلس

شماره
۲۳۶

جلسه
۲۷۱

قیمه اشتراك

داخله ايران ساليانه ده نومان

خارجه « دوازده نومان

قیمه تك شماره

يك قران

مندرجات

فقط شامل مذاکرات مشروح جلسات مجلس شورای ملی

خواهد بود

پس از ختم هر جلسه کلیه مذاکرات در يك شماره منتشر میشود.

مطبعة مجلس

تاریخ تأسیس آذر

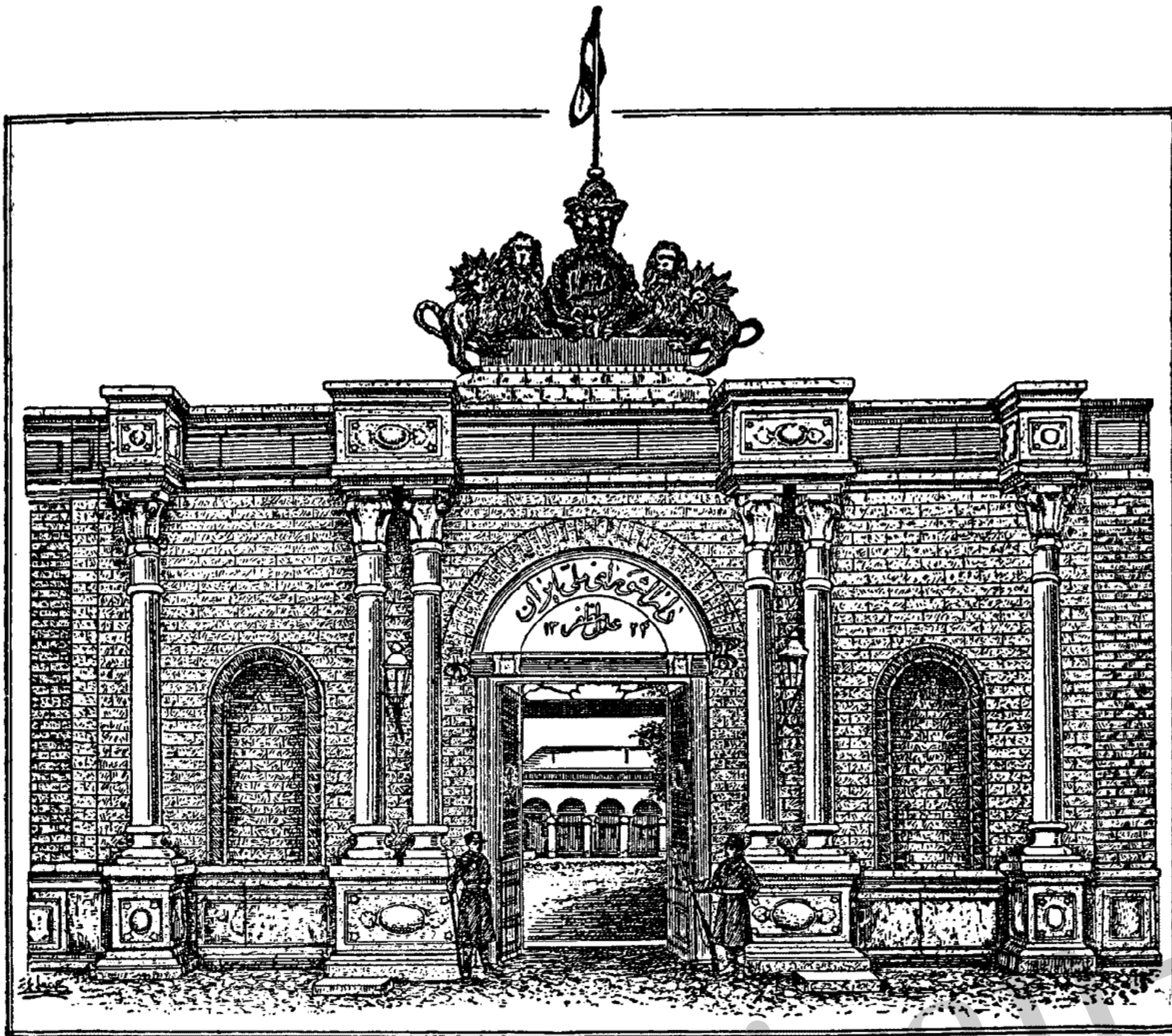
۱۳۰۵

جلسه پنج شنبه ۱۱

اسرداد ماه ۱۳۰۷

مطابق ۱۵ صفر

۱۳۴۷



مذاکرات مجلس

دوره ششم تقنینیه

صورت مشروح مجلس پنج شنبه ۱۱ مرداد ماه ۱۳۰۷ مطابق ۱۵ صفر ۱۳۴۷

جلسه ۲۷۱

(مجلس دو ساعت و ربع قبل از ظهر
براست آقای پیرنیا تشکیل گردید .)
صورت مجلس يوم سه شنبه نهم مرداد را آقای
دولت شاهی قرائت نمودند .

غائبین با اجازه جلسه قبل
آقایان : امیر حسین خان ایلخان - امام جمعه شیراز
دکتر طاهری - سید ابراهیم ضیاء - میر متمساز - مقدم
نوبخت - میرزا عبدالله خان وثوق - آقا میرزا هاشم

شماره	عنوان	از صفحه	الی صفحه
۱	شور دوم قانون سجل احوال	۴۹۱۱	۴۹۲۷
۲	مذاکرات راجع بروضه خوانی در مجلس	۴۹۲۷	۴۹۲۸

www.iranarchive.com

اشتیانی - بهبانی - طباطبائی و کیلی - ثقة الاسلامی -
حاج آقا حسین زنجانی

غائبین بی اجازه جلسه قبل

آقایان: محمد ولیخان اسدی - موقر - ذوالقدر -
اعظمی - شریعت زاده - آقا علی زارع - میرزا محمد تقی
طباطبائی - قوم شیرازی - مهدوی - امیر تیمور کلالی
محمد تقی خن اسعد - محمد هاشم میرزا افسر - آقا زاده
سبزواری - غلامحسین میرزا مسعود - حاج حسن آقا
ملک - لبقوانی - محمد ولیمیرزا - فرشی - میرزا حسن
خان ونوق - حاج غلامحسین ملک - ابراهیمی
در آمده بی اجازه جلسه قبل

آقای حاج میرزا حبیب الله امین

رئیس - آقای شریعت زاده

شریعت زاده - بنده مدتی بود کسالت داشتم و خیلی
از آقایان نمایندگان محترم مسبوقند و در صورت مجلس
دیدم که بنده را غائب بی اجازه نوشته اند خوب است
اصلاح فرمایند

رئیس - نسبت بصورت مجلس ایرادی نیست

(گفتند خبر)

رئیس - صورت جلسه اخیر چطور؟

(اظهاری نشد)

رئیس - تصویب شد

وزیر عدلیه - بنده میخواستم تقاضا کنم آقایان
راجع به سجل احوال که شور اولش شده است موافقت
بفرمایند جزء دستور شود و تمام شود

جمعی از نمایندگان - صحیح است

رئیس - پیشنهادی رسیده است قرائت میشود

(این طور خوانده شد)

پیشنهاد آقای فیروز آبادی - بنده پیشنهاد میکنم
که شور دوم لایحه سد نیشابور قبلاً جزء دستور شود
رئیس - آن پنجروز فعلاً منقضی نشده . قانون
سجل احوال مطرح است

(ماده اول بشرح ذیل قرائت شد)

ماده اول - پس از تصویب این قانون و انقضاء مدت
یکسال از تاریخ تأسیس دفتر سجل احوال باید در هر حوزه
سجل احوال کلیه ساکنین آن حوزه دارای ورقه
هویت باشند اشخاص ذکوری که سن آنها بیش از هفده
سال است باید شخصا برای اخذ ورقه هویت بمأمورسجل
احوال مراجعه نمایند مسئول اخذ ورقه هویت صغار ولی
خاص (پدر جد پدری یا وصی منصوبی که وصایت او
مسلم باشد) یا قیم صغیر است مأمورین سجل احوال
موظف هستند پس از تشخیص صحت اظهارات اظهار
کنندگان ورقه هویت صادر نمایند

زنها شخصا یا بوسیله وکیل ثابت الوکاله ورقه هویت
خواهند گرفت

مخبر - در ماده اول مختصر اصلاحی لازم است استدعا
میکنم اصلاح فرمائید در سطر اول پس از یکسال
از تاریخ تأسیس دفتر باید (تصویب این قانون) اضافه
شود که عبارت اینطور میشود: پس از تصویب اینقانون
وانقضاء مدت یکسال از تاریخ تصویب قانون و تأسیس
دفتر سجل احوال - در سطر آخر هم يك كلمه (تبصره)
افتاده است که میشود: تبصره - زنها شخصا یا بوسیله
وکیل ثابت الوکاله ورقه هویت صادر میکنند
رئیس - آقای فرمند

فرمند - بنده اصولاً با سجل احوال البته میبایستی
موافق باشم چون یکی از قضایای تمدن جدید است ولی البته
چنانچه يك نظریاتی ما داشته باشیم بایستی بعرض مجریان
قانون برسائیم قانون سجل احوالی که در دوره پنجم
گذرانیدم يك قانونی بود ، بعد بموقع اجرائش گذاشتند
حالا می بینیم این قانون را میگویند باید تجدید نظر
کرد یعنی اصلاحش کرد ، در مقدمه این اصلاحی که
آورده اند ما نفهمیدیم که معایب آن قانون چه بوده است و
اصلاحاتش که شده است چیست و این اصلاحات آن
معایب را رفع خواهد کرد یا نه . بنده در عمل دیدم
(چه در مرکز و چه در ولایات) که مجریان قانون (حالا

مقصود بنده از مجریان قانون هیئت وزراء یا معاونین
آنها نیست) مجریان قانون عبارت از همان مأمورین
کوچک هستند که سجل احوال را بيك صورت
بدی انداختند که الان بيك جائی رسیده است که بنده
تصور میکنم نه دولت و نه مجلس این قانون را نتوانند
اصلاح کنند برای اینکه يك دور معینی پیدا خواهد
شد که باز ما مجبور میشویم این قانون را اصلاح کنیم
و بعقیده بنده این دوره بدتر است برای اینکه مقداری
اختیارات مطابق این قانون بدست مأمورین کوچک داده
شده و البته اختیار تشخیص سن را دادند باین قبیل
مأمورین خیلی مشکل است و خیلی غرض رانی و حقه
بازها از این چیزی که اینجا باسم اصلاح گنجانده اند
خواهد شد و بعقیده بنده این يك عیبی است که افزوده
میشود باین قانون و این وضعیت این قانون را مشکل تر
خواهد کرد . این به تجربه رسیده است که بدی و خوبی
قوانین بسته است بکسانی که اجرائش میکنند . ما
اگر يك قانون خیلی خوبی بنویسیم آن اشخاصی که میخواهند
اجرا کنند اگر نیات خوبی نداشته باشند و بخواهند بيك
استفاده های شخصی بکنند هر جور ما این قوانین را خوب
بنویسیم آن نتیجه مطلوبی را که در نظر داریم نمیگیریم
چون سوء نیت داخل در اجرائی قانون میشود و این
سوء نیت مربوط به آقایان وزراء و دولت نیست بلکه با آن
مأمورین کوچک ماشینی است که در دست وزرای ما افتاده است این
ماشین معیوب است هر کارش کند در آنوقت خیال میکنید
با اصلاح قانون آن ماشین را اصلاح میکنید . قانون عبارت از بيك
تکه کاغذ است و مرکبی هم در روی آن کاغذ است . این کاغذ
و مرکب بی جان و بی روح است . هر قدر آقایان
بخواهند قانون را اصلاح کنند فایده ندارد بلکه باید
آن ماشین شکسته چموش را اصلاح کنند . آقای وزیر
عدلیه مخصوصاً این قضیه را در این یکساله خوب امتحان
کرده اند که با قانون و نظامنامه درست قضایا حل نمیشود
اگر کافر ماجرائی نکنند تصدیق خواهند کرد . حالا بنده
اینجا يك خطر دیگری می بینم و آن این است که ما
آمدیم و در دوره پنجم این قانون را گذرانیدیم . حالا

در دوره ششم داریم تجدید نظر میکنیم باز در دوره
هفتم محتاج میشویم به اینکه این قانون را اصلاح کنیم
و آنوقت نتیجه اش این میشود که استحکام قانون از بین
میرود . قانون استحکامش به این است که دوام و ثبات
داشته باشد و دیگر اصلاً قوه مجریه و مردم اقدام نخواهند
کرد به اینکه قانون اجرا شود و بالاخره اساس تشکیلات
مشروطیت و تشکیلاتی که ما میخواهیم روی آن ترقی
کنیم سست و متزلزل میشود استحکام قانون منوط به اینست
که دوام داشته باشد . يك مسئله دیگر هم هست که بنده
اگر در موارد دیگر فرصت کردم بعرض آقایان میرسانم
ولی در این جا هم مختصری عرض میکنم . این جا دو چیز
لازم است که سجل احوال در این مملکت اجرا شود . اولاً از
نقطه نظر اداری بيك نفرات فراوانی لازم است که بتوانند
این قانون را اجرا کنند . ثانیاً اقلًا بيك بودجه که تقریباً
دوسه ملیون باشد لازم است تا اینطور که نیت ما است
این قانون اجرا شود و این نفرات را نه وزارت داخله
دارد و نه وزارتخانه های دیگر میتوانند تجهیز بکنند و این
نفرات را تهیه کنند و نه تهیه بيك همچو بودجه برای
ما ممکن است از آنطرف بيك تکلیفاتی برای مردم قائل
شده اند که مأمورین سجل احوال که بشهر ها میررند
بهریچوجه نمیتوانند قانون را اجرا کنند زیرا بزور
نمیشود این قانون را عملی کرد . مثل این است که بخواهند
بگویند سنگ حرکت کند . البته سنگ بزور حرکت
نمیکند . بی سواد بزور با سواد نمیشود . هي قانون حکم
کند ، امنیه ته تفك بزند ، بالاخره هیچ فایده ندارد
در دهات ایران اگر بيك كد خدایانی باشند
که سواد داشته باشند سواد بيك کاغذ نوشتن حسابی را
ندارند آنوقت بيك ترتیباتی برای مردم قائل شده اند که
اینها هیچ نمی فهمند و گنج می شوند البته این وضعیت
سواد لازم دارد و از اول هم درست این کار را اصلاح
نکردند که مأمورین سجل احوال بدانند چه بکنند
خود مأمورین سجل احوال از این ستونها و دفتر ها
سر در نمی آورند چه رسد مردم ! حالا میبینم سر این

ماده اینجا میگوید: بعد از یکسال بعد از تصویب این قانون و تأسیس دفتر سجل احوال... التفات فرمائید اگر در يك ولايتی كه خیلی كم جمعیت است ولی وسعتش زیاد است مثل یزد و کرمان كه حقیقه اگر ما بخواهیم تمام کرمان را گردش بکنیم تا یکسال موفق نمیشویم آنوقت چطور میشود این قانون را در آنجاها در یکسال عملی کرد؟ ما قوانین را برای مملکت وضع میکنیم برای طهران تنها كه نیست برای تمام مملکت است و بالاخره ما باید قانون را روی يك اصولی وضع کنیم كه اجرا شود یعنی مساوات داشته باشد و الا با این طریق قانون اجرا نمیشود و به این ماده ما هم اصلاح نمیشود آنوقت زحمت زیادتر برای قوه مجریه است ما و كلا هم عصبانی میشویم كه چرا قانون اجرا نشده این است عرایض بنده بطور کلی و در مواد عرایض خود را عرض خواهم كرد

وزیر عدلیه - البته آقایان متوجه به تنگی وقت مجلس هستند اگر بنده راجع به کلیانی كه صحبت كردند جواب میدهم برای این است كه عین مذاكرات و ابرادات تکرار نشود و بالاخره جوابهای بنده هم همین است. میگویند این قانون را كه ما آوردیم برای اصلاح در مقدمه آن چیزی ندیدند كه بگوید چرا اصلاح شده و دلالتش چه بوده است. راست است مقدمه مفصل نبود ولیكن آقا ممكن بود يك كار دیگری بکنند یعنی مقایسه بین این قانون با قانون سابق بکنند و به بینند مواد آنها با هم چه تفاوتی دارد و من جمله اغلب اصلاحات راجع به سن شده است. چون مردم بعد از اینکه آمدند و ورقه را گرفتند تازه میآیند و سر سن دعوی میکنند كه من خودم ورقه نگرفتم پدرم هم نبود همسایه من آمده بود و برای من ورقه گرفته بود باین جهت سن من انقدر نیست در اینجا ما تكلیف اشخاصی را معین كردیم (باستثنای زنهائی كه تكلیفشان معین شده) كه باید بیایند ورقه بگیرند حالا اگر يك کسی خواست از طرف دیگری بیاید ورقه بگیرد باید قییم صغیر باشد یا ولی صغیر باشد. اینها از برای این است كه آن اختلافات رفع شود

این ها يك قسمتهای مهمی است كه ملاحظه فرمائید یکی راجع به مرور زمان است چنانچه ملاحظه میکنید مرور زمان را برای دعوی سن قائل نشده بودند و بالاخره قضیه يك روزی باید قطع شود. يك کسی كه امروز هشت سالش است میگذارد برای آن روزي كه سنش میرسد به بیست و یکسالگی و موقع سربازی او است تازه آنوقت بنای اعتراض را میگذارد بالاخره در اینجا مرور زمانی كه قائل شده اند این است كه در ظرف دو ماه اگر اعتراضی دارند بگویند و اگر درست دقت فرمائید ملاحظه فرمائید این قانون چه تغییری دارد. حالا جنابعالی میفرمائید كه عیب اصلی در قانون نیست و در اجرای قانون است. بنده هم كاملاً تصدیق دارم و البته برای این قسمت هم يك تغییری در نظر گرفته شده ولی از برای اینکه بتوانند قانون را هم يك كاری بکنند كه پیشرفت كند آمدند و اصلاح كردند من جمله همین مسئله كه شخص خودش باید درود و سجل احوال بگیرد. مسئله دیگر این است كه در هیچ جای دنیا آقایان تصور نکنند كه مأمورین دولت بدون استثناء متقلب نیستند. خبر همه جا مأمور متقلب هست بنده هم تصدیق دارم و در قسمت سجل احوال هم همان دلائلی كه ما این قانون را آورده ایم كه تجدید نظر شود مأمورین خیلی كارهای خلاف كرده اند و تا اندازه كه وسائل اجازه میداده است يك پیشبینیهای شده است كه مأمورین اگر خلاف كردند مجازاتشان كنند و بالاخره چیزی كه این مملکت را باید اصلاح كند مجازات است بطور مستمر یعنی بعد از آنكه يك مدتی مردم عادت كردند و دیدند كه اگر خلاف كردند فوراً مجازات میشوند این خلاف كارها از بین میرود. پس وقتی كه واقعاً يك مأموری دید كه اگر تخلف كند گیر می افتد و مجازات میشود البته تخلف نمیکند و مرور اخلاف اداری و مملکتی تغییر پیدا میکند و در قسمت اشكالی كه كردند كه اگر بنا باشد ما قانون دوره پنجم را بیاوریم در این دوره اصلاح كنیم به حیثیت قانون

بر میخورد. بنده خیال میکنم كه حسن قوانین بشری این است كه متصل در عمل و تجربه باشد و هر جایش را كه دیدند عیب دارد فوراً بیاورند و اصلاح كنند و در تمام ممالك دنیا هم این كارها میشود و اینها يك چیز هائی نیست كه مخصوص بشا باشد و اینکه راجع به كدخدا فرمودند. بنده هم میدانم كه كدخدا بی سواد است. ما هم نخواستیم كه او را با قانون با سواد كنیم. ما چیزی كه از او خواستیم این است كه اگر فلان مسئله اتفاق افتاده است. عقده یا طلاق واقع شده است این را اطلاع بدهد. در این قسمت هم يك پیش بینی هائی شده است كه این مقصود هم تأمین میشود و اما اینکه راجع به حوزه ها اظهار كردند كه این يكسالی كه مدت معین شده است كم است و چطور میرسند؟ بلی اگر کرمان را تنها حوزه سجل احوال بگیرد كاملاً حق باشا است. چون ممكن نیست ولی حوزه های سجل احوالی كه دارند درست میکنند خیلی حوزه های كوچكى است و بالاخره بایستی بكفدری هم تأمل كنید و نتیجه را به بنده عرض میکنم رسیدگی و تغییر قانون اصلاح قانون وقت در اصلاح قانون نتیجه خودش را میدهد و نتیجه خوب هم خواهد داد. حلالم مساعدت فرمائید و بگذارید این مائین چموش شكسته را هم (بنده اصطلاح خودتان را عرض میکنم) این مائین چموش را هم بشتر بچ باید اصلاح كرد و امیدواریم كه در ضمن عمل اصلاح شود.

جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی است

آقا سید یعقوب - بنده مخالفم

رئیس - فرمائید

آقا سید یعقوب - در اینجا بعضی اصلاحات درست شد يك كله باقی ماند. چون بنده خودم پیشنهاد کرده بودم خواستم این را هم اگر آقایان موافقت فرمایند اصلاح شود و آن راجع به این است كه نوشته است سن آنها هفده سال. بنده پیشنهاد کرده بودم كه بیست سال باشد چون غالب قوانین كه از مجلس گذشته است مراعات

هیجده سال و بیست سال شده است از این جهت بنده عرض كردم مذاکرات کافی نیست
رئیس - آقای رفیع
حاج آقا رضا (رفیع) نماینده محترم خود شرف تصدیق میفرمایند كه این مسئله مربوط بكفایت مذاکرات نبود. این منظور هم خیلی خواست پیشنهاد فرمایند در موقع پیشنهادات مذاکره فرمائید و البته موافقت میفرمایند و قبول میشود
رئیس - آقایانیکه مذاکرات را کافی می دانند قیام فرمایند

(اغلب قیام نمودند)

رئیس - اکثریت است. پیشنهاد آقای استرآبادی (بمضمون ذیل خوانده شد)

در ماده اول كلمه پس از تشخیص صحت تبدیل شود

بكلمه مطابق

رئیس - آقای استرآبادی

معتضد استرآبادی - همانطور كه فرمودند غالباً قانون از موقع نوشتن خوب نوشته میشود. البته يك قانونی كه از نظر چندین نفر میگذرد خیلی بندرت بد میشود ولی در موقع اجرا فوق العاده اسبوت زحمت مردم میشود چنانچه غالب از قوانین همینطور است. این جا بنده خیال میکنم در این ماده كلمه (پس از تشخیص) يك كلمه است فوق العاده كسر دار و بسط بندی مأمورین سجل احوال میدهد كه در واقع اختیار تمام صدور ورقه را از حث سن و سایر چیزها را كذا میكند مأمور سجل احوالی كه بیست و پنج تومان حقوق میگیرد. البته يك مأمور سجل احوالی كه با بیست و پنج تومان حقوق به يك محلی میرود وقتی تا این اندازه اختیار داشته باشد كه بطور كلي تشخیص او حجت باشد صلاح نیست. این جا دارد پس از تشخیص صحت اظهارات اظهار كننده. یعنی آن مأمور سجل احوال باید تشخیص كند كه این راست است (تشخیص صحت) معنایش این است اما اگر تبدیل شود بكلمه (مطابق) بهتر است و با اینکه در مواد بعد

دارد که در مواقع اختلاف ارجاع میشود به عدلیه
 ممالک بنده تصور میکنم این اندازه بسط بدادن مأمور
 سجل احوال صلاح نیست و اگر قدری کمتر شود برای
 حال مردم بهتر است. نه نوشته شود مأمورین سجل
 احوال مکلف هستند مطابق اظهار اظهار کنند و ورقه
 صادر کنند حالا خواهند فرمود که این همان قانون
 سابق است صحیح است ولی بنده معتقدم این که تشخیص
 صحت اسباب زحمت فرق العود برای مردم میشود.
 وزیر عدلیه - در این موضوع خیلی بحث و مذاکره
 شده چه قبل از اینکه قانون تقدیم مجلس شود بعد از
 تقدیم به مجلس هم در کمیسیون با آقایان ممالک
 کاملاً مذاکره شد ولی اگر ما این کلمه را در خارج هر
 عبارتی بگذاریم مطابق اظهار اظهار کنندگان نتیجه
 این خواهد شد که تمام تشخیص که در وقت سن سرکاری
 هستند کاری میدانند که معاف شوند و مردم را وادار
 بدروغ گفتن میکنند و مقصود اصلی هم حاصل نمیشود اولاً اینجا
 بطور قطع خدمتشان عرض می‌کنم که تشخیص قطعی میشود داد
 نه در محکمه و نه آقایان بنده فقط خود آن آدم اگر
 تاریخش را سلف می‌گوید و لا طور دیگر نمیشود پس
 اگر و قماً این آدم بیست ساله آمد و گفت من چهل
 سال دارم این را خوب میشود تشخیص داد معلوماً راه
 دارد یک مرجع دیگری هم از برای رسیدگی هست تازه
 وقتی که بد تشخیص شد چه ظاهری آمده است؟ برای
 اینکه اگر این قانون بچگونگی قبل وضع شده بود این
 آدم بیست و پنجساله میبایستی سرکار بشود و داخل نظام
 شود چه خواهد شد اگر این آدم حالا دو سال خدمت
 نظامی کند؟ فرضاً اگر تفری ششماه شده باشد و قانون
 سخت تر وضع شده باشد و بر علیه آن شخص باشد تازه
 چه کفری است؟ شاید این خیریت آقایان موافقت
 بفرمایند و شمارا هم یقین دارم که میل نداریم وضعیت
 سرکار کیری هم بخورد پس بهتر نیست موافقت بفرمایید
 با آن چیزی که از نقطه نظر ضرورت خودتان را محتاج
 میدانید عرض کردم که اگر ما راه دیگری داشتیم که

هم مقصود تأمین میشد و هم نظر آقایان رعایت میشد
 البته آن را در نظر میگردیم ولی در کمیسیون هم با آقایان
 مذاکره کردیم و همه نوع مساعدت هم شد ولی غیر از
 این راهی پیدا نکردیم
 رئیس - آقایانیکه این پیشنهاد را قابل توجه میدانند
 قیام فرمایند
 (چند نفر قیام نمودند)
 رئیس قابل توجه نشد.
 پیشنهاد آقای فیروز آبادی:
 بنده پیشنهاد میکنم که لفظ پس از تشخیص صحت
 اظهارات اظهار کنندگان حذف شود.
 فیروز آبادی - قانون گذار باید اسباب آسایش مردم
 را فراهم نماید که اگر تمام مردم را نمیشود لافاقل اکثر
 آنها را در تحت قانون در آورده و باید قسمی کرد که آن
 قانون منتج نتیجه شده ده بنده اسباب زحمت و شکلات
 بشود باین ملاحظه بنده اینجا می‌بینم که اگر احتیاج
 تشخیص به مأمور سجل احوال و گذار شود یعنی ظهارات
 اظهار کنندگان را او باید قبول کند و اگر قبول کند آن ظهارات
 از بین می‌رود و این همه روزنه اسباب زحمت هم بجهت آقای
 این اداره فراهم میشود و هم بجهت مردم باین ملاحظه
 بنده این پیشنهاد را کردم و فرضاً یک دوره در دوره
 اختلافی پیدا شود در دوره های بعد دیگر اختلاف پیدا
 نمیشود و معتقدم که این لفظ حذف شود و همین ظهارت
 اظهار کنندگان کافی است و باید بآن ترتیب تر داد و اگر
 ضروری هم داشته باشد یک دوره دوره بیشتر نیست و کم کم
 رفع میشود و مردم را یک مرتبه مانوس کردن و داخل
 کردن در این قانون اسباب زحمت خواهد شد
 رئیس - آقای رفیع
 حاج آقا رضا رفیع - نماینده محترم باید فکر کنند
 که تشکیل مجلس شورای ملی و دولت تمام اینها
 برای رفاهیت مردم است آنها می نشینند و بالاخره
 تصمیم می‌گیرند که قانونی وضع کنند برای آسایش
 مردم و اول نقطه که اسباب آسایش مردم است نظام

است و هیچ محل انکار برای احدی نیست وقتی جنابعالی
 این مسئله را اقرار فرمودید نباید رای بدهید که
 مردم در تر از این نعمت متنعم شوند و این قانون
 برای آسایش مردم است روح ملکیت بان کار محتاج
 است فرد فرد ایرانی مکلف است که برای استقلال
 ملکیت این خدمت را استقبال کنند و من مخصوصاً
 از آقایان استعفا میکنم مراجعه بفرمایند بقوانین اسلام و
 به باینند چه درجانی برای این اشخاص که وطن
 را حفظ میکنند معین کرده آقایان میفرمایند یک قدری
 خوب است مسامحه کنیم با یک قدریها کار ملکیت درست
 نمیشود باینسی مردم عادت پیدا کنند پس بنده پس آقایان
 افرادهای همه باید باین لبس در بیاییم و بالاخره ملکیت
 را آباد کنیم
 رئیس - آقایانی که این پیشنهاد را قابل توجه میدانند
 قیام فرمایند

(عده کمی قیام نمودند)
 رئیس - قابل توجه نشد.
 پیشنهاد آقای آقا سید یعقوب
 پیشنهاد میکنم در تبصره ماده اول این که حذف شود
 محتاج به تشخیص نخواهد بود
 آقا سید یعقوب - اینجا در ماده اول آقایان خیر پیشنهاد
 کردند یک کلمه تبصره رده شود و آن تبصره عبارت از این
 بود که زنها بخواهند یا بوسه وکیل ثبت لوکاله ورقه
 هویت خواهند گرفت اینجا بنده پیشنهاد می‌کنم که
 برای توضیح این مطلب است که این تبصره مربوط به
 ماده نیست و آن مسئله تشخیص شامل این تبصره نیست
 باین معنی که اعضاء اداره حق مداخله کردن در احوال
 زنها ندارند که تشخیص آنها واقع شوند. بمجرد اینکه
 خود زنها آمدند و یک مسئله را در اداره سجل احوال
 اظهار کردند اداره مکلف است اظهارات آنها را تصدیق
 کند که آن مفهوم سابق ماده که اعضاء اداره مشخص
 در حال زنها باشند واقع نشود حالا اگر این توضیحاتی
 که داده شد کفایت میکند بنده پس میگیرم و اگر

خیر اصرار دارند که خیر باید مأمورین در حال
 زنها هم مشخص باشند بنده جداً پیشنهاد خود را
 تعقیب میکنم.
 احتشام زاده (نخبر کمیسیون داخله) - این تبصره
 که بنده پیشنهاد کردم اضافه شود برای تأمین آن نظری
 بود که دولت هم با آن نظر موافق بود و همان دلیل
 برای اینکه سوء تفاهم نشود یک تبصره در قسمت آخر
 ماده اضافه شد یعنی در قسمت دوازده مأمور باید تشخیص
 بدهد و بنویسد ولی در قسمت اول این طور نیست خود
 زنها من خود را باید معین کنند و ما این دو قسمت
 را برای همین از هم جدا کردیم و دیگر ذکر این مطلب
 لازم نیست و مخصوصاً توضیحاتی که از طرف دولت دارم
 دیگر مورد ندارد.
 آقا سید یعقوب - بنده چون مقصود همین بود و
 تأمین شد مسترد میدانم.
 پیشنهاد آقای مدرس:
 پیشنهاد میکنم بعد از لفظ اظهار کنندگان اضافه شود
 تفسیراً و تفسیراً در ماده موجوده که در صورت مجلس ضبط
 خواهد بود
 مدرس - این جا نوشته شده است که تشخیص اظهارات
 مأمورین سجل احوال است یعنی شخص هر اظهاری
 در صحت و سقم از نظر مأمورین سجل احوال است
 که اگر مأمور سجل احوال آنها را صحیح دانست فیها
 و اگر هم ندانست فیها بنده اینجا اضافه کردم که این
 رأی مأمورین سجل احوال در تصحیح و تسقیم باید از روی
 ادله موجوده مضبوطه در صورت مجلس و درسیه مربوطه
 بکار باشد این درست نیست چرا درست نیست؟ نه الا آنکه
 میدانند خدا را درست است چرا درست است؟ چنه
 میدانند و شیاطین و خود او. اما اگر از روی ادله موجود
 باشد که در صورت مجلس است و تصحیح و تسقیم بآن دلیل
 باشد اگر آن شخص رفت و تنکایت کرد از مأمورین سجل احوال
 که مأمور بیخود گفته ادله که مستند بآن است در هر حکمه
 اظهار شود رفع غائله میشود و هکذا مسئله طرفین.

حالا عبارتی را که بنده عرض کردم مقید آن نیستم و اگر بخواهند تغییر بدهند بنده مخالف نیستم ولی مطلب من این است که آن مسئله که متعلق بطرفین است باید مستند بیک ادله باشد که آن ادله مثبت دعوی باشد و در وقت دعوی اگر ادله نباشد شاید که هر دو بزحمت بقتند بنا بر این باید برای آن محکمه که در آنجا شکایت میشود راهی باشد که اصلاح کند. اصل مسئله که بنده پیشنهاد کردم این است حالا اگر برای آن يك عبارت بهتری بشود ساخت مخالف نیستم و اگر قبول دارید اصل مطلب را عبارتش را درست کنید. لابد مسئله دوسیه دارد صورت مجلس دارد باید دلیل آن تصحیح و نسقیم در آن ذکر شده باشد.

وزیر عدلیه - بکمرته دیگر بخوانید

(پیشنهاد آقای مدرس مجدداً بشرح سابق خوانده شد)

وزیر عدلیه - بیانی که آقا فرمودند مطلب را روشن کرد و همانطور که اجازه دادند در عبارت اگر تصحیحی بکنیم بهتر است یعنی مقصود آقا این است که وقتی مأمور میگوید من اینطور تشخیص دادم و طرف گفت من کمتر یا بیشتر است دلایل طرفین در آن صورت مجلس ذکر شده باشد. لان عبارتش را همین طور اصلاح میکنم ممکن است اگر پیشنهاد دیگری هست خوانده شود تا این را اصلاح کنم

رئیس - پیشنهاد آقای دهستانی

(بمضمون ذیل خوانده شد)

تبصره ذیل را بنده پیشنهاد میکنم

تبصره - اشخاصی که در خارجه مقیم هستند برای دریافت ورقه هويت اقرباء نزدیک ایشان در ایران و اگر نداشته باشند توسط سفارتخانه ایران تقاضای صدور ورقه هويت خواهند نمود.

رئیس - آقای دهستانی

دهستانی - مقصود از این پیشنهاد يك تذکری بود اگر آقای وزیر داخله صلاح میدانند این مطلب در این قانون نوشته شود. گر چه در قانون يك قسمتی هست که

کننده بادلائل مأمور باید قید شود. وقتی که اختلاف نیست دیگر چرا نوشته شود؟

مخبر - این قضیه مسلم است که اگر چنانچه بین اظهار کننده و مأمور اختلافی نباشد چیزی قید نمیشود این قضیه مربوط است بموردی که بین مأمور سجل احوال و اظهار کننده. اختلافی حاصل شود یعنی مأمور يك طور تشخیص میدهد و اظهار کننده طور دیگر در آن مورد بایستی دلایل ومدارك طرفین در دوسیه ضبط شود که بعد بتوانند رسیدگی کنند.

رئیس - ماده بااصلاحاتی که شده قرائت میشود و رأی میگیریم.

(بمضمون ذیل خوانده شد)

ماده اول - پس از تصویب این قانون و تقضای مدت یکسال از تاریخ تصویب این قانون و تاسیس دفتر سجل احوال باید در هر حوزه سجل احوال کلیه ساکنین آن حوزه دارای ورقه هويت باشند اشخاص ذکوری که سن آنها بیش از هفده سال است باید شخصاً برای اخذ ورقه هويت بمأمور سجل احوال مراجعه نمایند. مسئول اخذ ورقه هويت صفار ولی خاص (پدر جد پدری یا وصی منصوبی که وصایت او مسلم باشد) یا قیم صغیر است مأمورین سجل احوال موظف هستند پس از تحقیق صحت اظهارات اظهار کنندگان ورقه هويت صادر نمایند

تبصره اول - زنها شخصاً یا بوسیله وکیل ثابت الوکاله ورقه هويت خواهند گرفت.

تبصره دوم - دلایل و مدارك مأمور سجل احوال بر تشخیص خود و دلایل ومدارك اظهار کننده باید در صورت مجلس قید و در دوسیه ضبط شود.

رئیس - در فقره پیشنهاد دیگر است که باید تکلیفش معلوم شود.

پیشنهاد آقای عراقی: بنده پیشنهاد میکنم در ماده...

عراقی - مال ماده هشت است

پیشنهاد آقای فیروز آبادی

بنده پیشنهاد میکنم که لفظ ثابت الوکاله حذف شود.

رئیس - بفرمائید

فیروز آبادی - عرض کردم ما باید رعایت کمال آسایش مردم را بکنیم این لفظ ثابت الوکاله اسباب زحمت است این شخص يك ورقه می آورد و میگوید من وکیل هستم از طرف فلان شخص خوب اگر مأمورین سجل احوال خواستند تولید اشکال کنند که نو وکیل نیستی تکلیف چیست؟ این باید برود در يك محضر شرعی یا عرفی وکالت نامه بگیرد بنده عقیده ام این است که دو کله آن شخص نخط خودش بنویسد کافی است و این لفظ ثابت الوکاله اسباب زحمت است و بهتر این است حذف شود و اگر میدانند نیست بنده حرفی ندارم

وزیر عدلیه - هیچ اسباب زحمت نیست مقصود وکالت

ثابت مسلم است شما هم که موافقید پس بگیرید

رئیس - رای گرفته میشود به پیشنهاد آقای فیروز آبادی.

فیروز آبادی - مسترد میکنم

رئیس - رای میگیریم بماده اول بطوریکه قرائت شد آقایان موافقین قیام فرمایند

(اغلب نمایندگان قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد ماده دوم

(بشرح آتی قرائت شد)

ماده ۲ - پس از یکسال فوق کلیه مأمورین مملکتی موظف میباشند در مواقع صدور کلیه اسناد رسمی (از قبیل حکم انتصاب بخدمات مملکتی و تعرفه انتخابات وجواز اسلحه و تذکره) و در موقع مراجعات اشخاص بمحاکم عدلیه و ادارات مملکتی (برای تقاضای ثبت اسناد و املاک و پذیرفته شدن در مدارس و امثال آن) ورقه هويت مطالبه نمایند والا مشمول مجازات مصرحه در فقره ۳ از ماده ۳۸ قانون استخدام کشوری خواهند بود.

تبصره - محاکم عدلیه میتوانند در امور فوتی ورقه

هويت را شرط قبول عرضحال قرار ندهند ولی پس از ده

روز از تاریخ تقدیم عرضحال هرگاه شخص مراجعه کننده ورقه هويت نحصیل نکرد از رسیدگی خود داری نمایند مخبر - اصلاح مختصری در آخر تبصره خواهد شد باین ترتیب: هرگاه شخص مراجعه کننده ورقه هويت نحصیل نکرد از رسیدگی خود داری خواهند کرد (اینطور میشود هرگاه شخص مراجعه کننده ورقه هويت نحصیل نکرد تا موقع نحصیل ورقه از رسیدگی خود داری خواهند کرد.

رئیس - آقای باستانی

باستانی - موافقم

رئیس - آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب - موافقم

رئیس - آقای فیروز آبادی

فیروز آبادی - اینجا تذکره که ارائه میدهند برای

سجل احوال در وقتی که شخص در شهر باشد یا در دهاتی که سجل احوال باشد اشکالی ندارد اما آمد و شخص در سفر بود و ورقه سجل احوال را کم کرد تذکره هم که گرفت کم کرد. آنوقت این شخص مسافر در حین سفر در آن ایام چه کند؟ بنده عقیده دارم در این امورات باید قانون گذار افراد ضعیف را در نظر داشته باشند که اگر شخصی در ایامان گیر کرد خواست عبور کند بیک مرتبه او را از الاغش پائین نکشند و بگویند برو خانه ات برای اینکه ورقه سجل احوال نداری! تذکره ات هم کم شده بنده تصور میکنم بهتر این است که لفظ تذکره حذف شود و اظهار ورقه هويت در مورد جواز و تذکره استثناء شود چون بعضی اوقات در مسافرت خیلی اسباب زحمت میشود زحمت در سفر هم غیر از زحمت در حضر است. لابد آقایان گرفتار شده اند. باین ملاحظه بنده مخالفم

وزیر عدلیه - خیلی متأسفم با اینکه این ماده خیلی روشن بود آقا مخالفت کردند. در اینصورت ممکن است هر کسی بیاید بگوید من آنچنان کسی هستم که تذکره داشتم و سجل احوال داشتم ولی حالا کم کرده ام. بنده عرض میکنم آقا هم موافقت فرمائید و موارد نادره را

در نظر نگیرید که تکلیف مردم و مأمورین دولت معین شود

جمعی از نمایندگان - مذاکره کافی است

رئیس - پیشنهاد آقای فیروز آبادی

(باین مضمون قرائت شد)

بنده پیشنهاد میکنم که لفظ (و تذکره) از این ماده حذف شود و استثناء هم بشود یعنی در جواز تذکره عبور اظهار ورقه سجل احوال شرط نیست.

رئیس - آقای فیروز آبادی

فیروز آبادی - بنده توضیح را دادم

مخبر - بسته بنظر مجلس است.

رئیس - رأی میکنیم به پیشنهاد آقای فیروز آبادی آقایانیکه قابل توجه میدانند قیام فرمایند (دوسه نفر برخاستند)

رئیس - قابل توجه نشد.

پیشنهاد آقای فرمند:

بنده پیشنهاد میکنم که تبصره ذیل بماده اضافه شود.

تبصره ۲ - وزارت داخله مکلف است که قانون و نظامنامه سجل احوال را بجائی در تمام دهات منتشر سازد رئیس - آقای فرمند.

فرمند - در این ماده نوشته شده که بعد از یکسال در تمام دوائر دولتی بدون سجل احوال کاری را قبول نخواهند کرد در صورتیکه دولت این منظور را دارد باید مردم را در دهات مطلع کند. در شهرهای ما اغلب روزنامه نیست که مردم بدانند قوانین جدیدی پیدا شده است یا قانون را اصلاح کرده اند و حالا باید اطاعت کنند آنوقت اسباب نارضایتی مردم میشود که البته قوه مقننه و مجریه میل ندارند پس بهتر این است که این مخارج گرانی که در وزارت داخله میشود بیک مقداری هم مکلف باشند خرج کنند و این قانون را طبع کنند و اقلاً در هر ده یک ورقه بفرستند بتوسط مأمورین امنیه و غیره که مردم تکلیف خود را بدانند والا در بیست فرسخی شهر اسباب زحمت و اشکال برای

این قبیل اشخاص تولید میشود چون هیچ وسیله اطلاع برای آنها فراهم نیست و بهتر این است که وزارت داخله به یک ترتیبی ساکنین دهات را مطلع کند.

وزیر عدلیه - عرض کم این بچند دلیل عملی نیست خرج زیاد دارد بدرد مردم هم نمیخورد بواسطه اینکه هر کس با حکومت با یک جایی کار داشت می بیند باید ورقه هويت داشت مبرود ورقه را بگیرد بعلاوه وقتی که در یک حوزه مامور آمد خودش را معرفی میکنند و مردم هم اطلاع پیدا میکنند

رئیس - آقایانیکه این پیشنهاد را قابل توجه میدانند قیام فرمایند

(عده قلیلی قیام نمودند)

رئیس - قابل توجه نشد

پیشنهاد آقای آقا سید یعقوب

پیشنهاد میکنیم کله تعرفه انتخابات حذف شود

رئیس آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب - در اینجا یک مجازاتی برای مأمورین دولت قائل شده اند یعنی اگر کسی ورقه سجل احوال نداشته باشد فردا اعضاء انجمن نظار باو تعرفه انتخابات نخواهند داد اگر دادند آنوقت اعضاء انجمن مجازات خواهند شد؛ چون آن مجازاتی که برای مأمورین دولتی قرار داده اند شامل اینها نمیشود برای اینکه اعضاء انجمن جزو مأمورین دولتی نیستند که مسئول ماده ۳۸ قانون استخدام بشوند برای اینکه آنها منتخب از طرف مردم هستند. لذا بنده این پیشنهاد را کردم

مخبر - گمان میکنم این وظیفه برای حکومت است. برای اینکه انتخابات تحت نظارت حکومت در جریان است در اینجا اگر چنانچه وظیفه معین میشود برای حکومت است ولی البته اعضاء انجمن خودشان را مکلف میدانند که اگر کسی ورقه نداشت تعرفه ندهند.

رئیس - آقایانیکه این پیشنهاد را.....

آقا سید یعقوب - استرداد میکنم

پیشنهاد آقای ملک مدنی

پیشنهاد میجام مدت یکسال در ماده ۲ بدو سال تبدیل شود.

ملک مدنی - بعقیده بنده منظوری که دولت داشته در ماده اول تأمین شده یعنی آن ترتیبی که اشخاص باید دارای ورقه سجل احوال باشند در آنجا در نظر گرفته شده و ضروری ندارد که در ماده دوم بیک قدری تسهیل شود برای اینکه قطعاً در مدت یکسال در تمام نقاط مملکت این اداره سجل احوال نمیتواند توسعه پیدا کند فردا مردم در دهات در صلحیه هائی که خود آقای وزیر عدلیه با یک زحمتی تشکیل کرده اند کاردارند آنوقت اگر رئیس صلحیه در صورتیکه اینها ورقه سجل احوال نداشته باشند قبول کند بر خلاف قانون رفتار کرده است و اگر قبول نکنند آن بیچاره که میخواهد رفع بدبختی خودش را بکند اصلاً در آنجا اداره سجل احوال نداشته است که او مراجعه کنند. لذا بنده این پیشنهاد را برای تسهیل حال این قبیل اشخاص کردم و در مدت دو سال هم قطعاً دولت موفق میشود در تمام مملکت اداره سجل احوال را تأسیس کند

وزیر عدلیه - بنده نمنا میکنم آقا موافقت فرمایند با یک سال چون عرض کردم تکلیف در موقعی ایجاد میشود که سجل احوال دائر شده باشد و تازه آن بدبخت که می خواهد مراجعه کند همه اتفاقات فوری برایش اتفاق نیافتد و اگر هم فوری باشد عرضحال او را قبول میکنند و ده روز بهش مهلت میدهند که برون ورقه را بگیرد بیاورد بعلاوه ماها عادت داریم کارها را میگذاریم برای دم آخر. دوسال هم که بشود آن آدم تنبیل میگذارد برای آخر دوسال.

رئیس - آقایانیکه این پیشنهاد را قابل توجه میدانند قیام فرمایند.

(عده قلیلی قیام نمودند)

رئیس - قابل توجه نشد. رای گرفته میشود بنده

دوم آقایانیکه موافقت فرمایند.

(اکثر قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد ماده سوم

(بشرح ذیل خوانده شد)

ماده سوم هر شخص باید برای خود اسم مخصوصی انتخاب کند زوجه و کلیه اولاد و احفاد ذکور آن شخص و همچنین کلیه اولاد و اطفال اناث او مادام که شوهر اختیار نکرده اند بان اسم مخصوص که نام خانوادگی است موسوم خواهند بود بنا بر این هر کس دارای اسمی خواهد بود مرکب از نام خانوادگی و نام شخصی مثلاً: (محمود کامران) بفرض اینکه محمود نام شخص و کامران نام خانوادگی باشد و اولاد يك خانواده که در تحت کفالت نیستند میتوانند اگر بخواهند اسم خانوادگی علیحده برای خود انتخاب نمایند

تبصره ۱ - اسامی خانوادگی پس از ثبت در دفتر سجل احوال هر حوزه سجل احوال مخصوص اشخاصی است که بنام آنها ثبت شده است و دیگری حق اختیار آن اسم را در آن حوزه ندارد مگر با رضایت کسی که اول آن اسم را بعنوان نام خانوادگی خود ثبت کرده است .

تبصره ۲ - هیچکس حق ندارد اسم خانوادگی شخص دیگری را در حوزه سجل احوالی که آن اسم ثبت شده اسم مؤسسه تجارتخانه یا عنوان تلگرافی خود قرار دهد ولی شعب تجارتخانه در سایر نقاط اسم مرکز اصلی را استعمال میکنند ولو اینکه شخص دیگری اسم مزبور را در محل تاسیس آن شعبه قبلاً برای نام خانوادگی خود ثبت کرده باشد .

رئیس - آقای دادگر

دادگر - بنده در کمیسیون هم این مذاکره را کرده بودم حالا با حفظ این حق خودم اینجا هم عرض میکنم غالب آقایان تجربه دارند که اسم فامیل محسناتی دارد ولی بشرط اینکه از يك عیب مصون بماند و آن عیب این است که اشخاص بدیستی که بان نام شرارت و بداخلاقی میکنند عاید بجمعه میشود بعقیده بنده باید هر کس اسم فامیل علیحده داشته باشد ولو به ترکیب کلمات باشد

ولو باستمداد از اسامی بلا معنی باشد . بایستی هر کس دارای اسم فامیل مستقلاً باشد خود بنده هم گیر این مسئله افتاده ام بکنفر با سم جهانسوز میرزای دادگر در مازندران انجام وظیفه میکنم . به بنده بعضی رقفا شکایت مینویسند که بنا نبود با سم شما بر ما تضییق کنند . این بنده را متذکر کرد که ممکن است اگر نام خانوادگی تعمیم داشته باشد و بیست تا مدرس در نقاط مختلفه باشد اینها همه که باخلاق آقای مدرس نیستند یا باخلاق دادگر یا باخلاق آقای آقا سید یعقوب . بنده حالا از این موقع استفاده میکنم و نظر دولت را جلب میکنم و بالاخره پیشنهاد میکنم که اسم فامیل منحصر باشد و الا این يك معایب زیادی تولید خواهد کرد که رفع آن مشکل است لذا بنده تقاضا میکنم دولت موافقت کند و این کلمه حوزه را بر دارند

وزیر عدلیه - این بیانات را آقای دادگر در کمیسیون هم فرمودند . البته این پیشنهاد خیلی خوب است اما از نقطه نظر زندگانی عملی قبول کردن آن مشکل است . شما الان ملاحظه کنید میخواهید بروید سنکلیج پیش مأمور سجل احوال و يك اسم فامیل انتخاب کنید قبلاً باید يك تحقیقی از حوزه های طهران بکنند بعد چه بکنند . اما ؟ در تمام نقاط ایران يك وسائل ارتباطیه که بپرسند در فلان ده یا مثلاً در جاپلق آیا کسی این اسم را گذارده است یا نه فراهم نیست و این قسمت عملی نیست . بنده نظر ایشان را تصدیق میکنم . در کمیسیون هم ما موافق بودیم ولی نتوانستیم راهی پیدا کنیم . این است که شما میکنم موافقت بفرمایند و چنین پیشنهادی نکنند .

رئیس - آقای رفیع

رفیع - موافقم

رئیس - آقای روحی

روحی - موافقم

رئیس - آقای شریعت زاده

شریعت زاده - بنده در اینجاده يك عرضی دارم و آن این است که يك اشخاصی در دفتر سجل احوال حاضر

شده اند و نام خانوادگی انتخاب کرده اند شخص دیگری هم نام دیگری را انتخاب کرده ولی با اسم شخص اولی و شهرت اولی استفاده میکنند و این در حکم اغفال است و بر خلاف واقع و بنظر بنده لازم است در این ماده این قسمت هم تعیین شود و لذا بنده پیشنهادی خواهم کرد و خوب است آقای وزیر عدلیه هم موافقت بفرمایند وزیر عدلیه - در موقعی که پیشنهاد دادند بنده جواب عرض خواهم کرد

عضی از نمایندگان - مذاکرات کافی است

رئیس - پیشنهاد آقای دادگر

(باین مضمون قرائت شد)

بنده پیشنهاد میکنم جمله (آن حوزه) از تبصره يك حذف شود

رئیس - آقای دادگر

دادگر - افرادی که آقای وزیر عدلیه فرمودند بنظر بنده وارد نیست . بفرمایند اگر کسی در سنکلیج سجل احوال گرفت نمیتواند تکلیف کند به بیند که در تمام مملکت کسی این اسم را اختیار نکرده باشد . بنده عرض میکنم ناموقعی که تراجم پیدا نشود که حرفی پیدا نمی شود . فرض کنید يك دادگر در طهران یکی در اصفهان و یکی از زنجان این اسم را گرفتند بعد که مشکف می شود هر که تقدم دارد مال او هست و ناموقعی که مشکف نشده ما مرصد ایستیم که کسی تقشیش کند که بفرمایند عملی نیست . خود آقای وزیر عدلیه هم باید بدانند که خودشان هم از این مسئله متضرر خواهند شد . در زنجان فرض بفرمایید يك داری که دارای این مکارم اخلاقی نباشد يك کارهایی بکند آخر برای يك آقای وزیر عدلیه که میخواهد يك وزارتخانه را تصحیح کند بد است . بنظر بنده این مسئله ضرور است و باید اسامی منحصر باشد ولو بلا معنی و اسامی ترکیبی بجای کلمات گذاشت و این زحمتی ندارد و هر وقت هم تراجم پیدا شد تقدم تا کسی است که اول ثبت کرده .

مخبر - البته نماینده محترم تصدیق میفرمایند که در

موقع عمل يك اشکالاتی بر خواهیم خورد . اگر بگوئیم کسی حق ندارد اسم فامیلی دیگری را اختیار کند این در عمل تولید اشکال خواهد نمود و تا اندازه غیر ممکن است و اگر بگوئیم حق دارد مثلاً کسی که در تبریز ساکن است اسم شخص دیگری را که از ولایت دیگری است انتخاب کند آنوقت دلیل ندارد که حق تقدم را برای فرخا کسی که این اسم را در طهران انتخاب کرده است قائل شویم بعلاوه در هر حوزه وسائل فراهم هست که جلو گیری از تکرار نام فامیلی بکنیم ولی برای تمام مملکت فراهم نیست . فرمایش ایشان خیلی صحیح و بوقع است ولی چیزی که هست وسائل نیست که در تمام مملکت تقدم معلوم شود رئیس - آقایان که این پیشنهاد را قابل توجه میدانند قیام فرمایند .

(اغلب نمایندگان قیام نمودند)

رئیس - قابل توجه شد ماده چهارم

(بمضمون ذیل خوانده شد)

ماده ۴ - از تاریخ تاسیس شعب سجل احوال در هر محل پدر یا مادر و قابله در مورد تولد و زوجین در مورد ازدواج و طلاق باید تولد یا ازدواج با طلاق را در ظرف ده روز از تاریخ وقوع در نقاطی که شعب سجل احوال تاسیس شده باشد کتباً بنظمید و در نقاطی که نظمی تاسیس نشده باشد بکند خدای محل اطلاع بدهند ادارات و مأمورین مزبور مکلف میباشد پس از تحقیق در صحت اطلاعات واصله مراتب را بمأمور سجل احوال مربوطه باسرع اوقات اطلاع داده و اولیاء اطفال یا اشخاصی را که برای آنها ازدواج و طلاق واقع شده رسماً از اجرای تحقیقات مطلع سازند که برای اخذ ورقه هویت و ثبت ازدواج و طلاق در دفتر سجل احوال مراجعه نمایند

رئیس - آقای روحی

روحی - موافقم

رئیس - آقای عدل

عدل - بنده با این ماده مخالفم بواسطه این است که در ماده دوم در همه جا قائل شده است که این قانون در

مدت یکسال اجرا میشود یعنی هر کس مهلت دارد که نامدت یکسال برود ورقه سجل احوال بگیرد. آنوقت برای ازدواج و طلاق و تولد هیچ مدت نگذاشته اند و حال اینکه کسی که ورقه سجل احوال ندارد شاید مسبوق نشده که يك همچو قانون گذشته و نمیتواند برود اطلاع بدهد عقیده بنده این است که در این موارد هم باید یکسال را قائل شد یا اقلاً باید قائل شد که از آن تاریخی که ورقه سجل احوال میگیرد تابع این قانون باشد مثلاً بنده تا امروز ورقه سجل احوال نگرفته ام سه ماه دیگر ورقه سجل خواهم گرفت در ظرف این مدت که هنوز ورقه سجل نگرفته ام اگر يك ازدواج یا طلاقی برای من اتفاق افتاد مجبور نیستم اطلاع بدهم از روزی که ورقه سجل حوال دادند بدست این آدم از آن روز مکلف است که اگر اتفاقی بری او واقع شد اطلاع بدهد و الا تصور میکنم قابل اجراء نیست

وزیر عدلیه - بنده تصور میکنم اگر نظری دارند خوب است که در موقعش پیشنهاد کنند و بدهند. جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی است

پیشنهاد آقای ملک مدنی

پیشنهاد میبایم در ماده ۴ پس از تصویب این قانون در ابتدای ماده ۴ اضافه شود

رئیس - آقای ملک مدنی

ملک مدنی - ماده چهارم طوری تنظیم شده که بنده تصور میکنم اگر يك ماموری بخواهد از آن سوء استفاده کند ممکن است یعنی بگوید دو سال است سه سال است سجل احوال تأسیس شده لذ بنده این پیشنهاد را کردم که (پس از تصویب این قانون مکلفند آنرا عمل کنند وزیر عدلیه - اینجا بنده تصور میکنم ماده را باید این طور اصلاح کرد که قدری روشنتر شود باین ترتیب که اینجا بگذاریم پس از يك سال از تاریخ تأسیس شعب سجل احوال در هر محل

ملک مدنی - بنده هم با این اصلاح آقای وزیر عدلیه موافقم

پیشنهاد آقای عدل

پیشنهاد میکنم ماده ۴ باین طریق تنظیم شود از تاریخی که اشخاص ورقه سجل احوال تحصیل مینمایند در هر محل پدر مادر الی آخر رئیس - آقای عدل

عدل - بنده با اصلاحی که آقای وزیر عدلیه فرمودند کمال موافقت را دارم ولی عقیده ام این است که پس از یکسال از تحصیل ورقه سجل احوال باشد یعنی آن روز که بنده ورقه سجل احوال را گرفتم از آن روز اگر پیش آمدی کرد اطلاع بدهم این تصور میکنم عملی تر است وزیر عدلیه - بنده تصور میکنم همان اندازه که اصلاح شد که یکسال بعد از تأسیس باشد آقا هم همان اندازه موافقت کنند

عدل - بنده هم موافقت میکنم

پیشنهاد آقای استرآبادی

بنده پیشنهاد میکنم از ماده چهار سطر اول کلمه مادر حذف و در سطر دوم کلمه زوجین مبدل زوج شود رئیس - آقای استرآبادی

معتضد استرآبادی - در ماده هفت این قانون يك مجازاتی قائل شده برای کسانی که باید خبر بدهند و خبر نمیدهند و در ماده پنج نیز تکلیف دادن خبر وقوع عقد را بعهد مرد واگذار کرده. اینجا در ماده ۴ مینویسد از تاریخ تأسیس شعب سجل احوال در هر محل پدر یا مادر و قابله در مورد تولد و زوجین در مورد ازدواج و طلاق یعنی هم پدر مکلف است به خبر دادن از تولد هم مادر و اگر اتفاقاً مادر خبر نداد بموجب آن ماده که مجازات معین کرده باید مادرش مجازات شود و البته مادر قبل مجازات نیست. تکلیف خبر دادن را باید بعهد پدر گذاشت و اگر مادر خبر نداد زن قابل حبس نیست.

همچنین عین این ایراد نسبت بزوجهین وارد است. يك زنی اگر خبر نداد که من شوهر کرده ام با طلاق گرفته ام چگونه میشود او را حبس کرد؟ زن که مسئولیت و مجازات ندارد.

وزیر عدلیه - متأسفانه باین پیشنهاد بنده نمیتوانم موافقت کنم و معتقدم که هر دو یعنی زن و شوهر باید اطلاع بدهند. مگر زن تکالیف اجتماعی ندارد؟ چرا باید از این مسئله ترسید؟ پس خوب است آقا موافقت بفرمائید که مسئله همین ترتیب بگذرد.

رئیس - رأی گرفته میشود باین پیشنهاد آقایانیکه موافقت میکنند قیام فرمایند.

(چند نفری برخاستند)

رئیس - قابل توجه نشد. آقای مخبر راجع بآب اصلاح که شد موافقتند؟

مخبر - بلی

رئیس - رأی گرفته میشود بماده چهارم با صلاحی که آقای ملک مدنی کردند

یکی از نمایندگان - خوبست دوباره ماده قرائت شود (مجدداً ماده چهارم با صلاح سابق الذکر قرائت شد)

رئیس - رأی گرفته میشود بماده چهارم با این اصلاح آقایانیکه موافقت قیام فرمایند.

(اکثر قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد ماده پنجم

(بشرح ذیل قرائت شد)

ماده ۵ - در موقع ازدواج یا طلاق شوهر مکلف است ورقه که حاکی از وقوع عقد یا طلاق بوده و معروف زوجین باشد با مضای مجری صیغه رسانیده و برای ضبط در دفتر سجل احوال بنظمیه یا شعبات نظمییه یا کدخدای تسلیم نماید. ادارات و مأمورین مزبور باید پس از تحقیق در صحت مندرجات ورقه عین آنرا در اسرع اوقات بدفتر سجل احوال بفرستند

رئیس - آقای روحی

روحی - بنده با آن ماده موافقم ولی بد تنظیم شده است آن ورقه علیحده نه نوشته باید با مضای زوجین برسد خوبست همان ورقه طلاق یا عقد نامه را بدهند ثبت کنند. این ترتیب بیشتر تولید اشکال میکند. که اول بیواند از ملا و شیخ ورقه صادر کنند.

عرض دیگر بنده در مورد طلاق است طلاق موقعی باید ثبت شود که قاطعیت پیدا کرده باشد. آقای مخبر خوبست توجه بفرمائید زیرا باید جواب بدهند. عرض کردم در مورد طلاق وقتی باید ثبت شود که موعود مقرره اش تمام شده باشد و قطعیت پیدا کرده باشد آنوقت اگر شوهر رجوع نکرد ثبت کنند و الا باین ترتیب بنده مخالفم

رئیس - آقای یاسائی

یاسائی - عرض کنم اصل ورقه عقد نامه را قدری مشکل است ببرند اداره سجل احوال زیرا باید ورقه در دست زن باشد که هر وقت خواست استفاده کند بتواند صدق خود را مطالبه کند. ما فقط میخواهیم وقوع ازدواج در دفتر سجل احوال ثبت شود دیگر نباید اصل ورقه عقد و ازدواج را در اداره سجل احوال بگذارند. اما راجع به قطعیت طلاق که فرمودند گمان میکنم حق بجانب آقای روحی است پیشنهاد کنند که بعد از قطعیت طلاق اطلاع بدهند.

رئیس - آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب - در آن ماده آقای مدرس يك اصلاحی کردند و بنده عقیده ام این است که اگر آقای وزیر عدلیه و مخبر يك قدری توجه بفرمایند ملاحظه خواهند فرمود که آن اصلاح در اینجا هم وارد است در قسمت آخر ماده که نوشته (پس از تحقیق در صحت مندرجات ورقه عین آنرا در اسرع اوقات بدفتر سجل احوال بفرستند) پس از تحقیق در صحت مندرجات البته باید با مدرک باشد پس باید نوشته شود پس از تحقیق از روی يك مدرک. این راجع به این عبارت. اما راجع بآن مسئله که آقای یاسائی و روحی بیان کردند چیز غریبی است. مگر ما نمیدانیم؟! طلاق چهار قسم است: طلاق خلعی - طلاق رجعی - طلاق مبارات طلاق باین همه اینها در دفتر سجل احوال باید درج شود. اگر طلاق رجعی داده پس از رجوع میبود اطلاع میدهد یعنی همین جوری که طلاق را اطلاع داده و ثبت کرده اند رجوع را هم ثبت می کنند پس این

اشکالی ندارد.

بعضی از نمایندگان مذاکرات کافی است.
رئیس - پیشنهاد آقای روحی.

(مضمون ذیل قرائت شد)

در ماده پنج تبصره ذیل را پیشنهاد می‌نمایم:

تبصره دوم - شوهر مکلف است در موقع طلاق
زوج خود را اطلاع بدهد که طلاق قطعی شده باشد
و طلاق ناقطعیت پیدا نکند ثبت نباید بشود

رئیس - آقای روحی

روحی - آقای آقا سید یعقوب بنده هم کتب فقهیه را
خوانده ام و از شما هم خیلی بهتر میدانم باز هم عرض
میکنم که تا طلاق قطعیت پیدا نکرده موردی ندارد که
ثبت شود. و از آقای مخبر تقاضا می‌کنم که این پیشنهاد
بنده را قبول بفرمائید و الا اسباب زحمت برای مردم
خواهد شد

مخبر - نظر دولت و کمیسیون هم در این قضیه این
است که طلاق تا وقتی که قطعی نشده به ثبت نرسد در
اصل قضیه اشکالی نیست و موافقیم ولی خوب است آقای
موافقت بفرمائید که در عبارت تغییری داده شود

رئیس پیشنهاد آقای آقا سید یعقوب

(شرح ذیل خوانده شد)

پیشنهاد می‌کنم بعد از کلمه طلاق اضافه شود باز جوع
آقا سید یعقوب - چون میشود در این جا مطالب
علمی گفته شود استرداد می‌کنم

وزیر عدلیه - ممکن است پیشنهاد را بان ترتیب کنند
در خود ماده بنده عقیده ندارم چیزی نوشته شود ولی
مکن است اضافه شود که پس از قطعی شدن طلاق به ثبت
خواهد رسید.

(همه نمایندگان)

عراقی - این معنی ندارد. طلاق همیشه قطعی است
رئیس - سطر اول ماده قرائت بشود تا معلوم شود
چه جور باید اصلاح شود.

(شرح آتی خوانده شد)

ماده ۵ - در موقع ازدواج باطلاق (پس از قطعی
شدن طلاق) شوهر مکلف است

رئیس - رأی گرفته میشود به ترتیبی که قرائت
شد آقابانکه ...

(همه نمایندگان - صدای زنک رئیس)

عراقی - بنده تقاضای تجزیه می‌کنم

رفیعی - بنده هم تقاضای تجزیه می‌کنم.

رئیس - چطور تقاضای تجزیه بفرمائید.

رفیعی - بنده پیشنهاد می‌کنم قسمت در بین لاله‌الین

(پس از قطعیت طلاق) حذف شود.

شیروانی - طلاق خلعی بنویسید.

بعضی از نمایندگان - خوب است آقای روحی مسترد بدارند

روحی - مسترد می‌دارم.

وزیر عدلیه - بنده پیشنهادی را که آقای روحی داده

بودند خواستم بیک شکلی در ماده ذکر شود و بعد از جمله اول

بطور مختصری گنجانده شود ولی حالا که می‌بینم آقایان

در این موضوع قطعی بودن و نبودن اشکال می‌کنند

بنده از ایشان خواهش می‌کنم پیشنهادشان را پس بگیرند

و عبارت ماده بهمان طور سابق که بود بقی باشد ولی

عرض می‌کنم که پس از اینکه طلاق قطعی شد به ثبت

خواهد رسید. خوب است آقا بهمین توضیح قناعت کنند

و پیشنهادشان را پس بگیرند.

روحی - بسیار خوب.

رئیس - بهمان ترتیب ساق رأی می‌گیریم. آقابانکه

با این ماده موافقت قیام فرمایند.

(جمع قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد. ماده ششم

(شرح ذیل خوانده شد)

ماده ۶ - در مورد فوت اطلاع دادن با ادارات یا

مأمورین فوق‌الذکر باید در ظرف (۴۸) ساعت بعمل

آید یا دادن این اطلاع بعهده نزدیکترین اقربای حاضر

شخص متوفی و در صورت نبودن اقربای مذکور بعهده

سرپرست ساکنین خانه و در صورت نبودن سرپرست

بعهده مستخدمین خانه است که فوت در آنجا واقع شده
و مأمورین باید پس از تکمیل تحقیقات در اسرع اوقات
مراتب را بمأمور سجل احوال اطلاع و اشخاص مذکوره
در فوق را مطلع نمایند که برای اجرای ثبت واقعه بدفتر
سجل احوال مراجعه کنند طبیب معالج و غسال و قبله
در موقع ولادت طفل متوفی یا فوت مادر در موقع وضع
حمل نیز ملزم میباشند در ظرف ۲۴ ساعت واقعه را
بدفتر سجل احوال اطلاع دهند.

مخبر - در سطر دوم کلمه «یا» زائد است و باید
حذف شود

رئیس - آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب - بنده در شور اول هم اظهار
کردم مسئله فوت و اطلاع از طرف نزدیکترین اقربا کار
مشکل و اسباب زحمت است. زیرا در آنوقت خانواده
مشغول ناله و زاری هستند و بفکر اینکه اطلاع بدهند
نیستند. بنده آن دفعه عرض کردم که مأمورین دولتی
خودشان باید مکلف باشند که این نوع دقیق را ثبت
کنند نه اینکه يك پدر مرده یا پسر مرده که مشغول
گریه و زاری است مجبور باشد اطلاع بدهد. در
این قسمت بنده مخالفم ما در هر جا نظمی داریم، بلدیبه
داریم، مأمورین سجل در همه جا داریم چه ضرر دارد
که آنها مراقب این امر باشند و در هر جا که از این
قبیل اتفاقات رخ داده خودشان ثبت کنند که دیگر
محتاج نباشد مردم مصیبت زده این کار را انجام دهند.

مخبر - اگر تنها مسئله اطلاع دادن در کار بود ممکن
بود با نظر سرکار موافقت کرد. ولی تنها این نیست
و يك چیزهای دیگری هم در کار هست. مثلاً با ابناء اشخاص
بروند اطلاع بدهند و در دفتر ثبت کنند و ورقه سجل
وهویت را بطل کنند از این جهت نمیشود این کار را بعهده مأمور
محول کرد و باید ولی یا نزدیک ترین اقوام شخص متوفی برود
اطلاع بدهد و این يك چیزی نیست که مأمور خودش
انجام دهد

رئیس - آقای عدل

عدل - در مواد گذشته همه جا مینویسد اطلاع باید
توسط نظمی یا کد خدا بعمل آید بنده از آقای وزیر
عدلیه کتباً سؤال کردم که آیا ممکن است مستقیماً
بعمل آید یا نه؟ جواب بنده را ندانند حالا در آخر
این ماده بر عکس مینویسد: طبیب معالج و غسال و
قبله باید واقعه را کتباً در ظرف بیست و چهار ساعت
اطلاع دهند و لا بنده تا قسمت ۲۴ ساعت مخالفم و
این مدت را خیلی کم میدانم. اقلاً باید مدت را چهل
و هشت ساعت قرار داد بعلاوه این کار غیر عملی است
زیرا فرضاً در شهرها بشود در ظرف بیست و چهار
ساعت اطلاع داد ولی در دهات و قراء برف و باران
است و هزاران دوانع ممکن است پیش بیاید که اصلاً
مردم نتوانند از خانه شان بیرون بیایند غسلی که ابتدا
سواد ندارد چطور میتواند در ظرف بیست و چهار ساعت
برود و بدفتر سجل احوال کتباً اطلاع دهد از این جهت
بنده عقیده دارم اولاً لفظ (کتباً) را از این ماده
باید برداشت زیرا در دهات و سائلس موجود نیست و
نمی‌توانند کتباً اطلاع بدهند و از این گذشته بیست و
چهار ساعت هم کم است و بعلاوه مثل مواد گذشته
باید توسط نظمی یا کد خدای محل بدفتر سجل احوال
اطلاع بدهند این عقیده بنده است

رئیس - آقای فیروزآبادی

فیروزآبادی - وقتی که يك کسی از يك خانواده
میمیرد همه مشغول عزاداری هستند و حال و وقت اینکه
در مدت ۲۴ ساعت بروند اطلاع بدهند ندارند. و در
این ماده که این طور قرار گذاشته اند که در ظرف بیست و
چهار ساعت صاحب عزای مکلف است برود و فوت را اطلاع
دهد و اگر این مدت گذشت و رفت اطلاع بدهد مجازات
دارد. و هرچه این بیچاره بگوید من مشغول عزاداری
بودم گوش مخرجش نمیدهند از این جهت بنده این مدت
هارا خیلی کم میدانم و معتقدم اصلاً باید يك هفته وقت
قرار داد که سبب زحمت برای مردم نباشد. زیرا مردم
چند روز اول گرفتار عزاداری و مجلس فائحه و ختم هستند

و بان کار نمیرسند و اسباب زحمت خواهد بود
مخبر - صرف نظر از اینکه این قضیه فوریت دارد و باید
هر چه زودتر اطلاع داد. آقایان تصدیق فرمائید که
اقرنای مصیبت برای اینکه تسلیت و انصراف پیدا کنند
هر چه زودتر بروند و اطلاع بدهند که قدری منصرف شوند
بعضی از نمایندگان - مذاکرات کافی است
پیشنهاد آقای فیروز آبدی:

پیشنهاد می‌کنم نوشته شود در ظرف یک هفته.

رئیس - آقای فیروز آبدی
فیروز آبدی - توضیح بدهد همان بود که عرض کردم
حالا هم عرض می‌کنم که بدست و چهار ساعت با چهل و هشت
ساعت برای مدت اطلاع دادن خیلی کم است و امکان ندارد
که مرده بتواند اطلاع بدهد بخصوص در دهات از
این جهت به عقیده من خوب است مدت را یک هفته
قرار بدهند.

وزیر عدلیه - این مدتی که ما قرار گذاشته ایم در
ترین مدتی است که در مسئله فوت ممکن است قرار داد
آقا میفرمایند صاحب عزت مشغول گریه است. خوب
اگر او فرضاً مشغول گریه است آخر یک همسایه یا کس و
کار یا یک بنده خدائی پیدا میشود که این کار را بکند
و اطلاع بدهد حکماً لازم نیست خودش برود اطلاع
بدهد یک کسی دیگر ممکن است از طرف او بیاید و اطلاع
بدهد. این مسئله اطلاع دادن را خیلی سهل تصور فرمائید
در بعضی مواقع ممکن است عزت اساسی داشته باشد و
بعضی از قضایائی است که هر چه زودتر باید معلوم شود
و اگر بنا شود هفت روز قضیه بگذرد تشخیص امر کار
مشکلی است و مقصود حاصل نمیشود. اطلاع اساساً باید
در ظرف بدست و چهار ساعت بعمل آید حالا ما رعایت
کرده ایم و چهار و هشت ساعت قرار داده ایم. و خود
شخص صاحب عزت هم مجبور نیست چنانچه عرض کردم
اطلاع بدهد ممکن است یک نفری از طرف او اطلاع
بدهد و این اشکالی ندارد

رئیس - کمان می‌کنم چند دقیقه باید تنفس

داده شود.

بعضی از نمایندگان - صحیح است

(در این موقع جلسه برای تنفس تعطیل و پس از
یکساعت مجدداً تشکیل شد)

رئیس - راجع بروضه خوانی پیشنهادی شده است.
کیسیون محاسبات هم رسیدگی کرده و یک چیزی بطور
ماده واحده داده قرائت میشود

(شرح آتی خوانده شد)

ماده واحده - مجلس شورای ملی به اداره مباشرت
اجازه و اعتبار میدهد که برای اقامه عزت داری خمس
آل عبا علیه آلف التحیه و التذکره در ایام ۱۹ - ۲۰ و
۲۱ صفر برابر ۱۵-۱۶ و ۱۷ مرداد ماه ۱۳۰۷
اجراء وظیفه نموده و زیادت مخارج آن مبلغ دو هزار
و نهصد تومان از وزارت مالیه دریافت دارد و وزارت مالیه
مکلف پرداخت است

رئیس - آقای عراقی

عراقی - موافقم

رئیس - آقای دادگر

دادگر عرضی ندارم

رئیس - آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب - نظر بنده این است که این در
واقع يك لایحه خرجی است و دولت در این جا حاضر
است آقای وزیر عدلیه و وزیر داخله حضور دارند
میتوانند از طرف دولت با این پیشنهاد موافقت کنند و
قبول نمایند. اگر اشکال نظامنامه ندارد بنده هم موافقم

رئیس - آقای عراقی

عراقی - بنده تصور میکنم آقای آقا سید یعقوب در
اصل قضیه مخالفتی نداشته اند و فقط نظرشان در قسمت
نظامنامه بود و تصور کردند که این لایحه پیشنهاد
خرج است و موافقت نظر دولت را می‌خواهد. بنده
عرض می‌کنم این پیشنهاد خرج نیست برای اینکه
وقتی پیشنهاد خرج است که میخواهیم پولی را بجزانه دولت

تحمیل کنیم ولی این یکی از چیزهایی است که در
ضمن مخارجی که برای مجلس معین شده پیش بینی شده
و در جزو بودجه خود مجلس و از صندوق خود مجلس
تأدیه میشود پس ربطی بدولت ندارد ولی چیزی که
هست این است که بنده در جلسه خصوصی متذکر شدم
و آقای ارباب هم متذکر شدند که بانصد تومان از این
مبلغ صرفه جوئی شده یعنی مخارجی را که اداره مباشرت
همه ساله میکرده زیاد دانست و بانصد تومان کسر کرده‌اند
علاوه بر این هیئت دولت مسؤلیت مشترک دارند آقای
وزیر عدلیه در این جا حضور دارند و گمان نمی‌کنم
مخالف باشند.

رئیس - آقای حاج میرزا مرتضی

حاج میرزا مرتضی - موافقم

رئیس - آقای اعتبار

اعتبار - نظر بنده همان بود که آقای عراقی در آخر
بیاناتشان فرمودند که بانصد تومان کمتر تصویب شده و
راپورتنی هم مبلغ دو هزار و چهار صد تومان برای این
کار تهیه کرده بودند که حاضر است.

رئیس - آقای شریعت زاده

شریعت زاده - چون در این پیشنهاد نوشته شده که
روز ۱۹ و ۲۰ و ۲۱ روضه خوانی خواهد شد و این
از اوقاتی است که مدت قانون مجلس در شرف انجام است
و بنده تصور میکنم کارهای لازم برای اقتضا کنند که
جلسات فوق‌العاده هم باشد از این جهت بنده با اقامه
عزت داری در این اوقات موافق نیستم و عقیده ام این است
که بماند برای آخر ماه.

در جلسه خصوصی هم مذاکره شد که تا آخر ماه بماند
و کسی هم مخالف نبود (بعد از مدتی تامل)
رئیس - عده برای اخذ رأی کافی نیست. در خارج
هم کسی نیست که بیاید
دادگر - بنده در جلسات عرض دارم.

(پیشنهادی از طرف آقای دادگر شرح ذیل خوانده شد)
متمنی است صبح چهارشنبه ۱۷ امر داد و صبح
شنبه ۲۰ و صبح دو شنبه ۲۲ امر داد علاوه بر جلسات
عادی امر به تشکیل جلسه نمائید.

بعضی از نمایندگان - مخالفی نیست

دادگر - اگر کسی مخالف نیست بنده عرضی ندارم
وزیر عدلیه - اولاً بنده خواستم تشکر کنم و بعد
از آقایانی که حاضرند نما دارم به آقایانی که حاضر نیستند
تذکر بدهند و بعد آوری بکنند که وقت تنگ است و باید
بجلسه حتماً برای کارهای مهمه در این چند روز تشکیل شود
تا این چند لایحه مهمی که باقی مانده با مساعدت آقایان بگذرد
خیلی خوشوقتم از اینکه حالا کسی مخالفت نکرده ولی نما
دارم آقایان حقیقتاً تشریف بیاورند و موافقت کنند که
جلسه تشکیل شود و لوایح بگذرد.

عدل - خوب است توضیح بدهند که چه روزهایی است؟

رئیس - روزها را نوشته اند: صبح چهارشنبه ۱۷

امرداد، صبح شنبه ۲۰ امرداد صبح دو شنبه ۲۲

علاوه بر جلسات معمولی ولی چون عده برای اخذ رأی

کافی نیست مینماید برای روز چهارشنبه قبلاً جلسه خصوصی

منعقد میشود بعد می‌آئیم به جلسه علنی.

(مجلس یکساعت بعد از ظهر ختم شد)